

بررسی تطبیقی علت‌های فقر از دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام)

و سه مکتب لیبرالیسم، سوسیالیسم و دولت‌رفاه

مونا امانی پور* / نصرت نیل‌ساز** / مرتضی عزتی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

چکیده

فقر از بزرگ‌ترین نابسامانی‌های اجتماعی - اقتصادی به شمار می‌آید که رفع آن نیازمند به‌کارگیری سیاست‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف است. یکی از پیش‌شرط‌های موفقیت این سیاست‌ها، طراحی آن‌ها بر پایه‌شناسایی دقیق علت‌هاست. پژوهش حاضر، با گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و توصیف و تحلیل محتوای آن‌ها، به بررسی تطبیقی دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام) و سه مکتب لیبرالیسم، سوسیالیسم و دولت‌رفاه درباره علت‌های فقر پرداخته است؛ تا ضمن آشکارساختن دلیل اختلاف یا اشتراک سیاست‌های فقرزدایی این دیدگاه‌ها، به طراحی و اجرای کارآمدترین و مناسب‌ترین سیاست‌های فقرزدایی کمک کند. بر اساس یافته‌های پژوهش، علت‌های فقر از دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام)، نه همچون لیبرالیسم، بر کاستی‌های فردی و نه همچون سوسیالیسم بر کاستی‌های ساختاری متمرکز است؛ بلکه مانند دولت‌رفاه، به هر دو جنبه توجه دارد. با وجود این، برخی علت‌های فقر در سه مکتب لیبرالیسم، سوسیالیسم و دولت‌رفاه، بر مبنای دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام)، قابل پذیرش، و برخی غیرقابل پذیرش است.

واژگان کلیدی

امام علی (علیه السلام)، علت‌های فقر، لیبرالیسم، سوسیالیسم، دولت‌رفاه

*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی. (نویسنده مسئول)

mona.amanipour@atu.ac.ir

nilsaz@modares.ac.ir

mezzati@modares.ac.ir

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس.

*** دانشیار پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

۱. مقدمه

پیامدهای ناهنجار و گسترده فقر در حیطه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و غیره، اندیشمندان علوم مختلف را برای طراحی و اجرای سیاست‌های فقرزدایی به تکاپو واداشته است. اما کارآمدی و موفقیت پایدار این سیاست‌ها در گرو صورت‌بندی آن‌ها بر اساس شناسایی دقیق علت‌های فقر است؛ زیرا در غیر این صورت، تنها می‌توان به شکل مقطعی و موقت، فقر را از میان برد یا از شدت آن کاست و تا زمانی که علت‌های فقر در جامعه پابرجاست، فقر ریشه‌کن نمی‌شود. به همین دلیل شناخت دقیق علت‌های فقر، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در سیاست‌گذاری می‌یابد. به‌ویژه آنکه به تبع شناخت علت‌های مختلف، سیاست‌های متفاوتی طراحی می‌شود.

بر این اساس، پژوهش حاضر بر آن است تا با گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای (اسنادی) و توصیف و تحلیل محتوای آن‌ها، به بررسی تطبیقی علت‌های فقر از دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام) و سه مکتب لیبرالیسم، سوسیالیسم و دولت‌رفاه بپردازد. بدین ترتیب، ضمن آشکار ساختن دلیل اختلاف یا اشتراک سیاست‌های فقرزدایی این دیدگاه‌ها، به طراحی و اجرای کارآمدترین و مناسب‌ترین سیاست‌های فقرزدایی کمک کند. سیاست‌هایی که به جای کاهش فقر و تسکین دردهای ناشی از آن، در پی ریشه‌کنی آن باشد. افزون بر این، موفقیت حکومت امیرمؤمنان (علیه السلام) در فقرزدایی، اهمیت شناخت علت‌های فقر بر پایه دیدگاه ایشان را دوچندان می‌کند. به‌ویژه آنکه سخن و سیره امیرمؤمنان (علیه السلام)، به عنوان امامی معصوم و شاخصی تمام عیار برای اسلام ناب و اصیل، برخاسته از دو معیار عقل و شرع است.

لازم به ذکر است پیش از این، پژوهش‌هایی در زمینه تبیین علت‌های فقر از دیدگاه اسلام یا دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام) صورت گرفته است، اما افزون بر جامع و مانع نبودن علت‌های بیان‌شده، دسته‌بندی نکردن علت‌ها و تفکیک قائل نشدن میان علت‌های مادی و معنوی در بیشتر موارد، هیچ یک با هدف بررسی تطبیقی این علت‌ها از دیدگاه امام علی (علیه السلام) و دیدگاه‌های متعارف انجام نشده است. (ر.ک: بیضون، ۱۳۸۵، ص. ۶۳-۷۴؛ فراهانی‌فرد، ۱۳۸۷، ص. ۳۹-۵۲؛ محمدی، ۱۳۹۲، ص. ۶)

۲. مفهوم‌شناسی

ماهیت چندوجهی فقر، لیبرالیسم، سوسیالیسم و دولت‌رفاه و نیز جهت‌گیری‌های متعدد اندیشمندان حوزه‌های مختلف نسبت به آن‌ها، سبب شده است درباره آن‌ها تعریف جامع، مانع و مورد پذیرش همگان وجود نداشته باشد. با وجود این، جهت روشن شدن بحث، متناسب با محتوای پژوهش، به برخی از تعریف‌های پرکاربرد آن‌ها اشاره شده است.

فقر: فقر از جهت‌های مختلف همچون مادی و معنوی، نکوهیده و پسندیده، مطلق و نسبی، اقتصادی، فرهنگی و غیره دسته‌بندی می‌شود. در این پژوهش، فقر مادی یا به تعبیری فقر اقتصادی مدنظر است که «ناتوانی در تأمین نیازهای اساسی» (زیاری، ۱۳۷۵، ص. ۸۴-۸۵؛ کتابچی، ۱۳۷۵، ص. ۶۲۷-۶۲۸) و «ناتوانی در تأمین حد کافی نیازهای اساسی برای رسیدن به یک زندگی آبرومند و شایسته به‌عنوان شرط لازم در رسیدن به کمال» (اسدی، ۱۳۶۹، ص. ۱۰۷؛ با اندکی اختلاف در: زیاری، ۱۳۷۵، ص. ۸۵؛ کارشناس، ۱۳۷۵، ص. ۳۶۹) از تعریف‌های مهم آن است. همچنین بر مبنای کلام و سیره امیرمؤمنان (علیه السلام) می‌توان فقر را به «تأمین نشدن نیازها در حد کفاف و کفایت» تعریف کرد. (امانی‌پور، نیل‌ساز و ایروانی، ۱۳۹۶، ص. ۶۰)

لیبرالیسم: «اصطلاح لیبرال برای نامیدن حکومت، حزب، سیاست یا عقیده‌ای به کار می‌رود که طرفدار آزادی و مخالف با آمریت‌طلبی باشد» (شاپیرو، ۱۳۸۰، ص. ۳) محور لیبرالیسم، فردگرایی است که تمام جنبه‌های آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ از ماهیت انسان گرفته تا ماهیت جامعه و رابطه انسان با آن، هدف‌های اجتماعی و ارزش‌های سیاسی آن و سرانجام خط‌مشی‌های عملی و گزینش‌های خاصی که به عمل می‌آورد. (آربلاستر، ۱۳۶۷، ص. ۳۱)

سوسیالیسم: سوسیالیسم در اصطلاح از سه جنبه قابل پیگیری است: (۱) به‌عنوان یک نظام اقتصادی مبتنی بر جمع‌گرایی و برنامه‌ریزی مرکزی که در این معنا، جایگزینی برای سرمایه‌داری است؛ (۲) به مثابه ابزاری برای جنبش کاری که نماینده منافع طبقه کارگر است و برنامه‌ای ارائه می‌دهد که کارگران از طریق آن می‌توانند قدرت سیاسی یا اقتصادی به دست آورند؛ (۳) به مثابه یک ایدئولوژی سیاسی با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و دیدگاه‌های مشخص که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: اجتماع؛ همیاری؛ برابری؛ تأمین نیازها و مالکیت مشترک. (آشوری، ۱۳۷۰، ص. ۲۰۴)

دولت‌رفاه: دولتی که موظف به تأمین و بهبود رفاه کلیه افراد جامعه است. (بنتف و مؤمنی‌راد، ۱۳۹۴، ص. ۱۸۸) سیستم حکمرانی که در آن دولت، با وجود پذیرش پیش‌فرض‌های لیبرالی، در حوزه زندگی اجتماعی دخالت می‌کند و به‌ویژه در برابر خدمات مرتبط با بیکاری، بهداشت، آموزش، مسکن و تأمین کالاها اساسی، خود را متعهد می‌داند. (اسکور، ۱۳۸۵، ص. ۲۰۹) ایدئولوژی دولت رفاه به سوسیال‌دموکراسی باز می‌گردد که می‌توان آن را آمیزه‌ای از دو چشم‌انداز ایدئولوژیکی لیبرالیسم اجتماعی و سوسیالیسم دموکراتیک دانست. اگر چه این دو ایدئولوژی از لحاظ نظری از یکدیگر متمایزند،



اما در دنیای واقعی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی توانسته‌اند نوعی وحدت‌نظر چپ میانه در باب مطلوبیت رفاه سرمایه‌داری ایجاد کنند. (فیتس پتریک، ۱۳۸۳، ص. ۲۵۵)

۳. علت‌های فقر از دیدگاه لیبرالیسم

بنابر دیدگاه نظریه‌پردازان لیبرالیسم کلاسیک، فقر ناشی از علت‌های ساختاری و حاصل نوعی نابسامانی اجتناب‌ناپذیر نیست؛ بلکه پدیده‌ای رفتاری یا بیمارگونه و آسیب‌شناختی است؛ زیرا علت‌های آن مواردی است که رهایی از آن‌ها در چارچوب قدرت فرد قرار دارد. به عبارت دیگر آنچه در پدید آمدن فقر و محرومیت اهمیت دارد، برداشت‌ها و رفتارهای خود افراد فقیر است که از فرهنگ، اعتقادات و ارزش‌های آنان سرچشمه می‌گیرد. (آربلاستر، ۱۳۶۷، ص. ۳۹۴؛ فیتس پتریک، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۴ و ۲۴۳؛ شوقی الفنجری، ۱۳۸۱، ص. ۱۴۲-۱۴۳) این علت‌ها به اختصار عبارتند از:

کمبود منابع طبیعی: مالتوس^۱ معتقد بود بینوایی و تهیدستی، محصول نبود تعادل میان منابع طبیعی و جمعیت است؛ چرا که جمعیت به دلیل رعایت‌نکردن محدودیت‌های جنسی و کنترل‌نکردن زاد و ولد، خیلی سریعتر از خواربار افزایش پیدا می‌کند. به بیان دیگر، بشریت به سوی قحطی گام بر می‌دارد. (لاژوژی، ۱۳۶۷، ص. ۲۱؛ دادگر، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۳)

شانس و تقدیر الهی: بورک^۲ بر این نظر بود که نیازهای تهیدست‌ها بنا به مشیت الهی از آن‌ها دریغ شده است. (آربلاستر، ۱۳۶۷، ص. ۳۹۲؛ همچنین ر.ک: شوقی الفنجری، ۱۳۸۱، ص. ۱۴۳) کودکان تهیدست با بدشانسی در خانواده‌هایی به دنیا آمده‌اند که والدینشان قادر به تأمین آن‌ها نیستند و اثری برای آنان باقی نمی‌گذارند. فقر آن‌ها که نتیجه بی‌توجهی والدینشان به محدودیت‌های جنسی است، به واقع مجازاتی از جانب طبیعت است که قوانین خداوند در آن جاری است. (آربلاستر، ۱۳۶۷، ص. ۳۷۹-۳۸۰؛ همچنین ر.ک: مهرگان و کرامت‌فر، ۱۳۹۳، ص. ۱۶)

تفاوت در استعدادها: لیبرال‌های بورژوا، درجه‌بندی در منزلت و رفاه اجتماعی را به نابرابری طبیعی میان انسان‌ها نسبت می‌دادند. ثروت‌پاداشی است برای لیاقت، مآل‌اندیشی، حزم و دل‌به‌دریازدن و فقر عقوبت کسانی است که فاقد این فضیلت‌ها هستند. (شاپیرو، ۱۳۸۰، ص. ۳۷-۳۸؛ فیتس پتریک،

1. Thomas Robert Malthus (1766-1834)

2. Edmund Burke (1729-1797)

۱۳۸۵، ص. ۳۹؛ همچنین ر.ک: دادگر، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۷؛ دادگر، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۶؛ مهرگان و کرامت‌فر، ۱۳۹۳، ص. ۱۶)

راحت‌طلبی و بیکاری: بسیاری از صاحب‌نظران لیبرال، فقر را ناشی از تن‌پروری و بیکاری افراد می‌دانند. به اعتقاد آن‌ها، تهیدستان خود کار نکردن و در نتیجه آن فقر را برگزیدند. (آربلاستر، ۱۳۶۷، ص. ۳۹۴ و ۳۹۶؛ فیتس پتریک، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۴؛ رفیعی، ۱۳۷۹، ص. ۴۱؛ همچنین ر.ک: دادگر، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۷؛ دادگر، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۶؛ مهرگان و کرامت‌فر، ۱۳۹۳، ص. ۱۶؛ شوقی الفنجری، ۱۳۸۱، ص. ۱۴۲)

اسراف: یکی دیگر از علت‌های فقر در جامعه، اسراف است (آربلاستر، ۱۳۶۷، ص. ۳۹۴؛ دادگر، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۷؛ دادگر، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۶)؛ چرا که زیاده‌روی در مصرف، سبب از بین رفتن منابع و کمبود آن‌ها می‌شود.

افزون بر علت‌های فردی و رفتاری پیش‌گفته، لیبرال‌های کلاسیک به برخی علت‌های ساختاری فقر هم معترفند، اما آن‌ها را به ساختارهای نادرست ناشی از عملکرد دولت منحصر می‌کنند. از جمله: به هم خوردن نظم طبیعی اقتصاد: فیزیوکرات‌ها از پیشگامان لیبرالیسم اقتصادی بودند. آن‌ها معتقد بودند که قوانین طبیعی بر تولید و توزیع ثروت حاکم است. پیروی از قوانین طبیعی اقتصادی، ثروت و پیروی نکردن از آن‌ها، فقر به بار می‌آورد. فعالیت‌هایی از قبیل خرید و فروش، تولید و مصرف، باید آزاد باشد و قوانین تحمیلی حکومت‌ها مانع آن نشود (شاپیرو، ۱۳۸۰، ص. ۲۱)؛ زیرا عمده مشکلات فقر و محرومیت از سیاست‌های نادرست دولت ناشی می‌شود. (باری، ۱۳۹۳، ص. ۲۰)

فرهنگ (چرخه) فقر: محیط‌های اجتماعی سرشار از فقر، تنبلی و بیکاری، سبب پرورش افراد فقیر، تنبل و بیکار می‌شود؛ چرا که فرهنگ فقر از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد. فرهنگ فقر نیز از پیامدهای دولت‌رفاه است که نخست به ایجاد فقر کمک می‌کند و سپس به سبب پدیدآوردن نوعی فرهنگ وابستگی که مردم در قالب آن عادت به کارکردن و احساس مسئولیت و خودیاری را از دست می‌دهند، باعث تداوم فقر می‌شود. مزایای بیش از اندازه سخاوتمندانه تأمین اجتماعی، به برآمدن طبقه فرودست قابل ملاحظه‌ای منجر می‌شود. مساعدت‌های اجتماعی نسلی از بیکارها را خلق می‌کند؛ زیرا این مساعدت‌ها، نه ازدواج را تشویق می‌کند و نه رسیدن به استقلال را در چارچوب بازار کار.

از این منظر، اصطلاح طبقه فرودست، ارتباطی به فقر مطلق ندارد، بلکه به یک نظام ارزشی (فرهنگی) مربوط می‌شود. فرهنگی که متعلق به افرادی است که انتظار دارند جامعه و دولت، برای آن‌ها

همه کار انجام دهند، بی‌آنکه آن‌ها در مقابل، هیچ مشارکتی داشته باشند. در واقع فقر این طبقه، ناشی از نارسایی‌های موروثی آن‌هاست که به سبب وابستگی و عدم استقلال‌ی که دولت رفاه ایجاد می‌کند، تشدید می‌شود. (فیتس پتربیک، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۵-۱۸۷؛ لابن، ۱۳۵۹، ص. ۹۴-۹۵)

۴. علت‌های فقر از دیدگاه سوسیالیسم

سوسیالیست‌ها فقر را ناشی از علت‌های ساختاری و وجه ضروری و اجتناب‌ناپذیر جامعه سرمایه‌داری به شمار می‌آورند؛ زیرا به عقیده آنان، سرنوشت جامعه به صورت عمده از سوی نیروهای تعیین می‌شود که خارج از کنترل افراد یا گروه‌ها قرار دارند. (فیتس پتربیک، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۹) در واقع آن‌ها با اعتقاد به ماتریالیسم تاریخ و جبر حاصل از آن، فقر را پدیده‌ای رفتاری و در چارچوب قدرت و اختیار فرد نمی‌دانند؛ بلکه به نظر آن‌ها فقر و کاستی‌های طبقه کارگر در نتیجه فساد و بی‌عدالتی نهادهای اجتماعی است. (هانت، ۱۳۸۱، ص. ۴۹)

از دیدگاه سوسیالیست‌ها، مالکیت خصوصی ابزار تولید یا به تعبیری توزیع ناعادلانه ثروت و امکانات، علت اصلی فقر در جامعه سرمایه‌داری است که نتیجه آن توزیع ناعادلانه درآمد (درآمد بدون کار) و در نهایت فقر و نابرابری‌های شدید اقتصادی و اجتماعی است.

سیسموندی^۱ عنوان می‌کند جامعه صنعتی به تدریج مردم را به دو طبقه متمایز تقسیم می‌کند: آن‌ها که کار می‌کنند و آن‌ها که مالک هستند و یا چنان که خود او اغلب می‌گوید تهیدست‌ها و ثروتمندها. آزادی رقابت با از بین بردن همه طبقه‌های متوسط و باقی‌گذار کردن دو طبقه رنجبر و سرمایه‌دار، پیش آمدن این تقسیم و جدایی را سرعت می‌بخشد. به نظر او علت فقر کارگرها در این است که جمعیت آن‌ها خیلی بیشتر از میزان تقاضای کار است و آن‌ها مجبورند برای ادامه زندگی به اولین مزد پیشنهادی با وجود تعارض با منافع خود و منافع طبقه خود، تن بدهند. این فقط جدایی مالکیت از کار است که کارگر فقیر را زیر زجر مرگ از گرسنگی، به تسلیم شدن در برابر چنین شرایط سختی مجبور می‌کند. (ژید و ریست، ۱۳۸۰، ج. ۱، ص. ۲۹۳-۲۹۶) نتیجه جدایی مالکیت از کار، توزیع ناعادلانه و نابرابر درآمدهاست. بدین صورت که فقط درآمد سرمایه‌دارها افزایش می‌یابد و درآمد کارگرها در همان حداقل نیاز باقی می‌ماند و همین امر سبب ناهماهنگی میان تولید و تقاضا می‌شود. (ژید و ریست، ۱۳۸۰، ج. ۱، ص. ۳۰۰؛ همچنین ر.ک: شوقی الفنجری، ۱۳۸۱، ص. ۱۴۳) بنابراین محروم‌بودن کارگرها از مالکیت و مطمئن‌نبودن درآمد برای آن‌ها علت اصلی فقر و نابسامانی اقتصادی است. (ژید و ریست، ۱۳۸۰، ج. ۱، ص. ۳۰۵)

1. Leonard Simon de Sismondi (1773-1842)



از نظر سن سیمونیان^۱ علت فقر و بحران‌های اقتصادی آن است که توزیع ابزار تولید در دست افراد جدا از یکدیگر، ناآگاه از نیازها و بی‌اطلاع از اشخاص و ابزار مورد نیاز است. (ژید و ریست، ۱۳۸۰، ج. ۱، ص. ۳۴۴-۳۴۵) مارکس نیز معتقد بود: «اگر مالکیت خصوصی حتی به صورت محدود وجود داشته باشد، این مسئله ناگزیر به فقر می‌انجامد.» (تفضلی، ۱۳۷۵، ص. ۱۵۳)

۵. علت‌های فقر از دیدگاه دولت‌رفاه

نظریه‌پردازان دولت رفاه، ضمن پذیرش احتمال وجود کاستی‌های فرد و انحراف‌های او در مسیر دستیابی به رفاه _ همچون تفاوت در استعدادها، تنبلی و بی‌کاری، اسراف و غیره _، به کاستی‌ها و شکست‌های بازار و وجود نابسامانی‌های ساختاری در جامعه نیز معترف هستند. در نظر آنان یکی از مهم‌ترین علت‌های فقر، تنازع و تعارض گروه‌های مختلف جامعه بر سر منابعی همچون ثروت، منزلت و قدرت است. (رفیعی، ۱۳۷۹، ص. ۵۱) شکست‌های بازار، رکود و تورم حاصل از سیاست‌های پولی و مالی دولت، توزیع نامناسب ثروت و درآمد، تجارت آزاد، صنعتی‌شدن و دگرگونی‌های حاصل از آن، ضعف سرمایه انسانی و اجتماعی، کمبودهای منابع طبیعی و محیط زیست، شرایط سیاسی و اجتماعی، افزایش جمعیت و مهاجرت نیز از مهم‌ترین علت‌های ساختاری فقر به شمار می‌آیند. (زریباف، ۱۳۹۱، ص. ۲۰-۸)

البته آن‌ها با آگاهی از شکست بازار در توزیع عادلانه ثروت و درآمد و اهمیت تأثیر این عامل بر فقر و نابرابری اقتصادی، مالکیت خصوصی ابزار تولید را مانند سوسیالیست‌ها نفی نکردند، بلکه به اصلاح آن پرداختند.

۶. علت‌های فقر از دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام)

علت‌های فقر را می‌توان از ابعاد مختلفی دسته‌بندی کرد. همچون علت‌های ایجادکننده فقر، علت‌های تداوم فقر و علت‌های رشد فقر. بر این اساس، توزیع نابرابر فرصت‌ها، علت ایجادکننده است، در حالی که شکل‌گیری دوره‌های شوم فقر، علتی تداوم بخش، و تورم، عاملی رشددهنده فقر است. بر مبنای خاستگاه نیز می‌توان از علت‌های اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و غیره سخن گفت. (خورشیدی، ۱۳۷۹، ص. ۱۰)

۱. شاگردان و طرفداران سن سیمون (Saint Simon) سوسیالیست فرانسوی.



افزون بر این، علت‌های فقر به مادی و معنوی، طبیعی و غیرطبیعی، فردی، اجتماعی و دولتی، رفتاری و ساختاری، اختیاری و اجباری قابل دسته‌بندی است. این دسته‌بندی‌ها با یکدیگر تداخل دارند. به‌گونه‌ای که علت‌های طبیعی، بخشی از علت‌های تحمیلی به شمار می‌آید و برخی علت‌های مادی، طبیعی و برخی غیرطبیعی است. با توجه به هدف پژوهش، برای مقایسه میان دیدگاه امام علی (علیه السلام) و دیدگاه‌های متعارف، دسته‌بندی آخر یعنی اختیاری و اجباری مبنای عمل قرار گرفته است.

۱.۶. علت‌های اختیاری (فردی و رفتاری)

برخی از علت‌های فقر و نابسامانی اقتصادی را باید در وجود خود افراد جستجو کرد. به عبارتی، فقر برخی از مردم، ناشی از رفتارهای خود آنان است که از ارزش‌ها و دیدگاه‌های آنان سرچشمه می‌گیرد و رهایی از آن نیز در اختیار و چارچوب قدرت آنان قرار دارد. مهم‌ترین آن‌ها از دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام) عبارتند از:

سستی، راحت‌طلبی و بیکاری

راحت‌طلبی و تنبلی، شخص را از کار و تلاش که مقدمه رسیدن به موفقیت، توانگری و بی‌نیازی است، باز می‌دارد. چنانکه امام علی (علیه السلام) تنبلی و تن‌آسایی را آفت کار و کامیابی و باعث از دست رفتن اسباب سود معرفی می‌کند که نتیجه آن چیزی جز فقر و نداری نیست.

- «آفَةُ الْعَمَلِ الْبَطَالَةُ: آفت کار، تن‌آسایی و بیکاری است.»

(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۴۶۳؛ لیبی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۱۸۱)

- «آفَةُ الْخُجْرِ الْكَسَلُ: آفت موفقیت و بهروزی، تنبلی است.»

(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۴۶۳؛ لیبی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۱۸۱)

- «إِيْتَاؤُ الدَّعَةِ يَقْطَعُ أَسْبَابَ النُّفْعَةِ: برگزیدن آسایش و راحتی، اسباب سود و منفعت را قطع می‌کند.»

(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۴۶۳؛ لیبی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۷)

- «إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا از دَوْجَتْ از دَوْجِ الْكَسَلِ وَالْحُجْرِ فَتَنَجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ: آنگاه که اشیاء جفت شدند، تنبلی و

ناتوانی با هم جفت گردیدند و از آن‌ها فقر پدید آید.» (کلینی، ۱۴۲۹، ج. ۹، ص. ۵۶۲؛ با اندکی اختلاف در: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۲۲۰)

همچنین سستی سبب از دست دادن فرصت‌ها (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۴۶۳؛ لیبی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۵۳ و ۱۸۵) و در نتیجه محرومیت می‌شود. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۸۰) افراد تنبل

و تن آسا یا کاری را شروع نمی‌کنند یا پس از شروع، در صورت مواجهه با سختی‌های آن، تاب تحمل ندارند و آن را رها می‌کنند. همین امر سبب می‌شود از سود و منفعت آن بی‌بهره شده و به تعبیری، گرفتار نداری و ورشکستگی شوند.

- «مَنْ لَمْ يَضِرْ عَلَى كَلِّ صَبْرٍ عَلَى الْإِفْلَاسِ: هر کس بر رنج ناشی از کارش بردباری نورزد، باید نداری و ورشکستگی را تحمل کند.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۵؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۴۲۷) نداشتن برنامه و تدبیر درست

یکی از مهم‌ترین عوامل کامیابی و پیشرفت در هر امری، برنامه‌ریزی دقیق و به تعبیری، تدبیر مناسب است که بر مبنای سنجش همه جوانب شکل گرفته باشد. رهایی از فقر و دستیابی به رفاه نیز از این قاعده مستثنا نیست. تدبیر بد، زندگی انسان را مختل و دارایی‌هایش را نابود کرده، او را به سوی فقر می‌کشاند. درباره اثر برنامه و تدبیر بر زندگی انسان و فقر و ثروتش، روایت‌های متعددی از امام علی (علیه السلام) نقل شده است. از جمله:

- «آفَةُ الْمَعَاشِ سُوءُ التَّدْبِيرِ: آفت معیشت، تدبیر بد است.»

(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۴؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۱۸۲)؛

- «سُوءُ التَّدْبِيرِ مُفْتَاخُ الْفَقْرِ: تدبیر بد، کلید فقر است.»

(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۴؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۲۸۴)؛

- «لَا غِنَى مَعَ سُوءِ تَدْبِيرٍ: با تدبیر بد، توانگری نخواهد بود.»

(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۴؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۵۴۴)؛

- «سُوءُ التَّدْبِيرِ يُفْنِي كَثِيرَ الْمَالِ: تدبیر بد، دارایی فراوان را نابود می‌کند.»

(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۴؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۲۲۸)؛

- «لَا مَالَ لِمَنْ لَا تَدْبِيرَ لَهُ: آنکه را برنامه‌ریزی نیست، دارایی نباشد.»

(ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج. ۲۰، ص. ۳۱۷)

نداشتن حساب و تقدیر مناسب

اندازه نگاه‌داشتن و به تعبیری دوری از افراط و تفریط در امر معاش و اقتصاد، انسان را از فقر حفظ می‌کند، از این رو امام علی (علیه السلام) بی‌توجهی به آن را موجب فقر معرفی می‌کند:



- «تَرَكَ التَّقْدِيرَ فِي الْمَيْسَةِ يُوْرِثُ الْفَقْرَ: عدم حسابگری و اندازه نگه نداشتن در معیشت، به فقر می‌انجامد.» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ج. ۲، ص. ۵۰۵؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج. ۲، ص. ۴۵۵؛ شعیری، بی‌تا، ص. ۱۲۴)

اسراف و تبذیر

بارزترین مصداق‌های رعایت نکردن اندازه مناسب در زندگی، اسراف (زیاده‌روی و تجاوز از حد) و تبذیر (ولخرجی و بیهوده خرج کردن) به عنوان وجه افراطی هستند. این دو بر پایه زیاده‌روی، به هدررفت منابع و از بین رفتن دارایی‌ها می‌انجامند. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۹؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۳۹) به همین دلیل، از مهم‌ترین علت‌های فقر و نابسامانی اقتصادی به شمار می‌آیند. چنانکه امام (علیه السلام) درباره ارتباط آن‌ها با فقر می‌فرماید:

- «التَّبْذِيرُ عُنْوَانُ الْفَاقَةِ: ولخرجی، نشانه و سرآغاز فقر و نیازمندی است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۹؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۴۱)

- «التَّبْذِيرُ قَرِينٌ مُفْلِسٌ: ولخرجی، همراهی ورشکست‌کننده است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۹؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۲۹)

- «مَنْ أَفْخَرِيَ بِالتَّبْذِيرِ أَحَقَّ بِالْإِفْلَاسِ: کسی که به ولخرجی افتخار کند، با ورشکستگی و نداری حقیر گردد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۶۰؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۴۶۴)

- «سَبَبُ الْفَقْرِ الْإِسْرَافُ: سبب فقر و نداری، اسراف است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۹۶؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۲۸۲)

- «لَا غِنَى مَعَ إِسْرَافٍ: با اسراف، توانگری و بی‌نیازی نیست.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۹؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۵۳۱)

لازم به ذکر است بر مبنای کلام امام (علیه السلام)، تبذیر نوعی اسراف است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۹؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۳۸۵) همچنین اسراف و تبذیر با بی‌برنامگی و تدبیر نادرست ارتباط دارد؛ زیرا حفظ اندازه متعادل و عدم زیاده‌روی، نیازمند برنامه‌ریزی درست در زندگی است. از این رو امام (علیه السلام)، تباه‌شدن اندازه‌گیری را نتیجه برنامه‌ریزی بد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۴؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۴۳۲) و حفظ انسان از تدبیر بد و اسراف را در کنار هم، نشانه خیرخواهی خداوند نسبت به او معرفی می‌کند. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۳؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۱۳۱) همچنین هر دو،

سبب از بین رفتن دارایی‌های فراوان می‌شوند. تقابل تدبیر با تبذیر در روایت «اندکی که با تدبیر همراه باشد، پایدارتر از زیاد همراه با تبذیر است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۴؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۵۸) نیز شاهد دیگری بر این امر است که در آن نابودی دارایی بسیار، از پیامدهای تبذیر و حفظ مال اندک از پیامدهای تدبیر بیان شده است.

بخل و تنگ‌نظری

بخل و تنگ‌نظری وجه تقریبی رعایت نکردن اندازه مناسب در زندگی است که امام (علیه السلام) آن را فقر و جامه بینوایی می‌داند:

- «الْجُلُّ فَقْرٌ: بخل، فقر است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۲۹۳؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۱۹)؛
- «الْجُلُّ جِلْبَابُ الْمُسْكِنَةِ: بخل جامه بینوایی است.» (کلینی، ۱۴۲۹، ج. ۱۵، ص. ۷۱؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۹۰ و ۹۷)

زیرا بخیل از ترس فقر و به امید رسیدن به دارایی و ثروت، هزینه‌هایش را کاهش می‌دهد تا جایی که افزون بر انفاق نکردن به دیگران، حتی از تأمین نیازهای خود در حد کفاف نیز خودداری می‌کند و بر خود، به اندکی از دنیا بخل می‌ورزد. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۲۹۲؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۵۶) در نگاه امام (علیه السلام) بخل در حقیقت، شتافتن به سوی فقر است نه گریز از آن. از این رو، امام (علیه السلام) از این رفتار دوگانه بخیل که خواستار توانگری است اما از ترس فقر، همچون فقیرها زندگی می‌کند و خود را از زندگی توانگرها محروم می‌سازد، ابراز شگفتی می‌کند.

- «الْبَخِيلُ مُتَعَجِّلُ الْفَقْرِ: بخیل به سوی فقر می‌شتابد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۲۹۳)
- «مَنْ قَبِضَ يَدَهُ مَخَافَةَ الْفَقْرِ فَقَدْ تَعَجَّلَ الْفَقْرَ: آنکه از ترس فقر، حسّت به خرج می‌دهد، به سوی فقر شتافته است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۲۹۳؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۴۳۰)
- «عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يُسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ وَيُؤْتِيهِ الْعِنَى الَّذِي إِيَاهُ طَلَبَ فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَ يَحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ: از بخیل در شگفتم که به سوی فقری می‌شتابد که از آن می‌گریزد و توانگری را از دست می‌دهد که خواهان آن است، بنابراین در دنیا مانند فقیرها زندگی می‌کند و در آخرت مانند ثروتمندها محاسبه می‌شود.» (حکمت ۱۲۶؛ با اختلاف در: فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج. ۲، ص. ۳۸۴-۳۸۵)





در واقع بخیل به وادی تقتیر می‌افتد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۲۹۳ و ۳۵۹؛ لثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۵۲۸) که فقر حاضر است. تقتیر که به عنوان رفتاری تفریطی، در تقابل با اسراف و تبذیر به عنوان رفتارهای افراطی قرار دارد، به معنای شدت حسابگری و سخت‌گیری است. از این رو، امام علیه السلام هشدار می‌دهد که تقدیر لازم است اما نباید به تقتیر بینجامد. (حکمت ۳۳؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج. ۲، ص. ۳۸۴؛ طبرسی، ۱۳۴۴، ص. ۲۳۲) البته خلاف اسراف‌کار که با از دست دادن دارایی خود، توانایی تأمین نیازهایش را از دست می‌دهد؛ بخیل، توانایی تأمین نیازهایش را دارد، اما به دلیل تنگ‌نظری، حاضر نیست آن‌ها را در حد کفاف رفع کند. بنابراین همچون فقیرها زندگی می‌کند و از آنجا که چنین فقری با فراهم شدن امکانات و دارایی بیشتر رفع نمی‌شود، امام علیه السلام تنگ‌نظر را فقیرترین مردم معرفی می‌کند.

- «أَفْقَرُ النَّاسِ مَنْ قَتَرَ عَلَى نَفْسِهِ مَعَ الْغِنَى وَالسَّعَةِ: فقیرترین مردم کسی است که با وجود توانگری و فراخی، بر خود سخت می‌گیرد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۶۹؛ لثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۵)

لازم به ذکر است، علت‌های فردی و رفتاری بیان شده، کلی است و برای آن‌ها مصداق‌های جزئی متعددی می‌توان یافت. از جمله شرط‌بندی (قمار) و اعتیاد که مصداقی از نداشتن حساب و برنامه درست در زندگی به شمار می‌آیند. بنابراین در اولین گام برای رهایی از فقر و دست‌یابی به توانگری، انسان باید کار و کوشش کند و برنامه‌ریزی همه‌جانبه دقیق داشته باشد که در آن با حسابگری مناسب، از اسراف و تبذیر به عنوان وجه افراطی و بخل و تنگ‌نظری به عنوان وجه تفریطی و نیز هر چیزی که برنامه‌ریزی و حسابگری او را مختل می‌کند، دوری گزیند.

البته برخی امور با وجود تعارض و تنافی ظاهری با برنامه‌ریزی و حسابگری دقیق، چنان مهم و پسندیده است که فقر حاصل از آن‌ها نیز نه تنها نکوهیده نیست بلکه پسندیده و مورد رضای خداوند به شمار می‌آید. از چنین فقری که نتیجه حفظ حدود الهی و توجه به امور مهم‌تر است، با عنوان فقر هدفدار یاد شده است. (فراتی، ۱۳۹۲، ص. ۱۸)

از جمله این امور پسندیده و مورد تأیید و سفارش شرع، می‌توان بخشش را نام برد که ناشی از ارزش‌های والای اخلاقی و دینی مانند ایمان، ایثار، همدردی و غیره است. تاریخ اسلام، کلام و سیره اهل بیت علیهم السلام، شواهد فراوانی در این باره دارد که ذکر برخی از آن‌ها در قرآن کریم نیز آمده است. خداوند در توصیف ایثار انصار که با وجود نیاز شدید، مهاجران را بر خود مقدم می‌کردند، می‌فرماید: (وَالَّذِينَ بَوَّؤُوا

الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَلْبِهِمْ يَحْشُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يوقْ شَحْحَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (قرآن کریم ۵۹: ۹) و دربارهٔ اینبار امام علی، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) آیاتی از سورهٔ انسان را نازل می‌کند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۱۰، ص. ۶۱۱؛ واحدی، ۱۴۱۱، ص. ۴۷۰؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج. ۵، ص. ۱۹۱) که با بالاترین تعبیرها، آنان را می‌ستاید و به آنان وعدهٔ بهترین نعمت‌ها را می‌دهد.

۲.۶. علت‌های اجباری (تحمیلی)

برخی از علت‌های فقر، به صورت مستقیم در حیطهٔ اختیار و قدرت فرد قرار ندارد و اگر چه ممکن است تعدادی از آن‌ها، به صورت غیرمستقیم تحت تأثیر رفتارهای خود شخص باشد، اما به گونه‌ای بر او تحمیل می‌شود. این علت‌های اجباری، خود به دو دستهٔ علت‌های طبیعی و علت‌های ساختاری قابل تقسیم است.

۱.۲.۶. علت‌های طبیعی

گاهی فقر، ناشی از حوادث و بلایای طبیعی است. از جمله: زلزله؛ سیل؛ خشک‌سالی و قحطی؛ آفت؛ آتش‌سوزی؛ مرگ سرپرست خانوار و نداشتن توانایی کارکردن بر اثر نقص عضو، بیماری، خردسالی، پیری یا عوامل دیگر. تأثیر این علت‌ها بر فقر و نابسامانی اقتصادی به قدری آشکار است که بیان‌نشدن آن به صورت مستقیم در روایت‌ها، تردیدی در آن ایجاد نمی‌کند. البته در کلام و سیرهٔ حضرت علی (علیه السلام) شواهدی وجود دارد که بیانگر توجه ایشان به این علت‌های طبیعی است. چنانکه امام (علیه السلام) در عهدنامهٔ مالک اشتر، به او دستور می‌دهد اگر مالیات‌دهندگان، گرفتار چنین اموری بودند به آنان تخفیف دهد تا وضع‌شان بهبود یابد:

«فَإِنْ شَكُوا ثِقْلًا أَوْ عِلَّةً أَوْ انْقِطَاعَ شَرْبٍ أَوْ بَالَةً أَوْ إِحَالََةَ أَرْضٍ اغْتَمَرَهَا عَرَقٌ أَوْ أَجْحَفَ بِهَا عَطَشٌ خَفَّفَتْ عَنْهُمْ بِمَآتَرِ جَوَانٍ يَضْلَعُ بِهِ أَمْرُهُمْ: اگر مالیات‌دهندگان از سنگینی بار مالیات یا رسیدن آفت به محصول کشاورزی خود یا خشک‌شدن چشمه‌ها یا قطع شدن باران و شب‌نیم یا دگرگونی زمین بر اثر سیل یا خشک‌سالی، شکایت کردند به آنان تخفیف بده به اندازه‌ای که امیدداری وضع آنان را بهبود بخشد.» (نامه ۵۳؛ با اندکی اختلاف در: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۱۳۸)

سفارش‌های فراوان امام (علیه السلام) دربارهٔ توجه به بیوه‌زن‌ها، یتیم‌ها و کهن سال‌ها نیز شاهد دیگری بر این امر است. مانند:



«از حُوا الْأَرْمَلَةَ وَالْيَتِيمَ وَأَعْيُنُوا الضَّعِيفَ: به بیوه‌ها و یتیم‌ها رحم کنید و ناتوان را یاری کنید.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۱۵۲؛ کراچکی، ۱۳۵۳، ص. ۶۳)

۲.۲.۶. علت‌های ساختاری

گاهی فقر و نابسامانی اقتصادی، ناشی از ساختارهای نادرست موجود در حوزه‌های مختلف اجتماع - به‌ویژه حوزه‌های حقوق و قضا، سیاست و اقتصاد - است. مهم‌ترین علت‌های ساختاری بر مبنای سخنان امیرمؤمنان (علیه السلام) عبارتند از:

نپرداختن حقوق مالی توسط ثروتمندها

در برخی موارد فقر ناشی از همیاری نکردن افراد جامعه است که از ساختارهای نادرست فرهنگی، عقیدتی، اخلاقی و اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. نبود روحیه همیاری در جامعه، بازتوزیع درآمد و ثروت را با اختلال مواجه می‌کند و در نتیجه سبب ایجاد و تداوم فقر و نابسامانی اقتصادی می‌شود.

خداوند بنا به حکمت و مصلحت، روزی نیازمندان را به عنوان حقی در دارایی ثروتمندها قرار داده و ادای آن را بر آنان واجب کرده است. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: (وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِّلسَّائِلِ وَ الْمُحْزَرِّمِ) «و کسانی که در اموالشان حقی معلوم برای درخواست‌کننده و محروم هست.» (قرآن کریم ۷۰: ۲۴-۲۵) و (وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمُحْزَرِّمِ) «و در اموالشان برای درخواست‌کننده و محروم حقی [معین] وجود دارد.» (قرآن کریم ۵۱: ۱۹)

در حدیث قدسی نیز ثروتمندها به عنوان وکیل خداوند معرفی شده‌اند که باید اموال الهی را به نیازمندان که تحت کفالت خدا هستند، پرداخت کنند و در صورت خودداری و بخل، سزای آنان جهنم خواهد بود:

«الْمَالُ مَالِي وَ الْفُقَرَاءُ عِيَالِي وَ الْأَغْنِيَاءُ وَ كَلَائِي فَ مَن بَخِلَ بِمَالِي عَلَى عِيَالِي أَدْخَلُهُ النَّارَ وَ لَا أَبَالِي: دارایی‌ها، متعلق به من است و فقیرها، تحت کفالت من قرار دارند و ثروتمندها وکیل من هستند. پس هر کس از دادن دارایی‌های من به آن‌ها که تحت کفالت من هستند، خودداری کند، او را وارد جهنم می‌کنم و به او اهمیتی نمی‌دهم.» (شعیری، بی‌تا، ص. ۸۰)

به همین دلیل در سخنان حضرت علی (علیه السلام) آمده است که خداوند سبحان، در دارایی ثروتمندها، روزی فقیرها را واجب کرده است. بنابراین گرسنگی فقیرها، ناشی از خودداری ثروتمندها از پرداخت حقوق آنهاست و بابت آن بازخواست خواهند شد:



«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا مِمَّا تَمَنَعَ بِهِ وَمَنْعَ غَنِيٍّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ» (حکمت ۳۲۸؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۷۱؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۱۵۳؛ با اختلاف در: فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج. ۲، ص. ۴۵۴) (جهت آشنایی با ضبط دقیق روایت ر. ک: پهلوان، ۱۳۹۱) امام (علیه السلام) در روایت دیگری، افزون بر خوراک، تأمین نشدن نیازهای دیگر فقیرها را هم ناشی از همین علت می‌داند. حقوق مالی که خداوند به اندازه نیاز فقیرها تعیین کرده است و در صورت پرداخت کامل آن از سوی ثروتمندها، می‌توان با تأمین پایین‌ترین سطح از نیازهای اساسی شامل خوراک و پوشاک، فقر مطلق را از میان برد.

«إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ النَّاسِ فِي أَمْوَالِهِمْ قَدْرَ الَّذِي يَسْعُ فُقَرَاءَهُمْ فَإِنْ صَاعَ الْفُقَرَاءُ أَوْ أُجْهِدُوا أَوْ أُعْرُوا فَمَا يَمْنَعُ أَغْنِيَاؤُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ مُحَاسِبُهُمْ بِذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمُعَذِّبُهُمْ بِهِ عَذَابًا أَلِيمًا: خداوند بر ثروتمندها در دارایی‌هایشان، به اندازه‌ای که فقیرها را پوشش دهد، واجب کرد. پس اگر فقیرها از دست رفتند یا به سختی افتادند یا برهنه ماندند، به خاطر خودداری ثروتمندها (از پرداخت حقوق آن‌ها) است و خداوند روز قیامت درباره این مسئله از آن‌ها بازخواست خواهد کرد و آن‌ها را بابت آن، به عذاب دردناکی مجازات خواهد کرد.» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج. ۱، ص. ۲۴۵)

همچنین بنا به فرمایش امام (علیه السلام)، ثروت و نعمتی که خداوند به برخی از بندگان می‌بخشد برای سودرسانی به مردم است. پرداخت حقوق مالی از جمله بخشیدن این نعمت‌های الهی و انفاق، سبب دوام و فزونی آن‌ها می‌شود و خودداری از بخشش، سبب کم شدن و از بین رفتن آن‌هاست.

«إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْتَصُّهُمْ اللَّهُ بِالنِّعَمِ لِنَافِعِ الْعِبَادِ فَيَقْرُهُا فِي أَيْدِيهِمْ مَبْدَلُوهَا فَإِذَا مَنَعُوها نَزَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ: خداوند بندگان دارد که آن‌ها را به نعمت‌ها اختصاص می‌دهد تا به بندگان [دیگر] سود رسانند، پس تا زمانی که آن نعمت‌ها را ببخشند، در دست آنان ثابت می‌دارد و اگر از بخشش آن خودداری کنند، آن نعمت‌ها را از آنان می‌گیرد و به دیگران انتقال می‌دهد.» (حکمت ۴۲۵)

بنابراین یکی از مهم‌ترین علت‌های فقر و گرسنگی، خودداری ثروتمندها از پرداخت حقوق مالی واجب و مستحبی است که خداوند در دارایی‌هایی که به آنان بخشیده، برای تأمین نیاز فقیرها تعیین کرده است.
مدیریت ناشایست

از دیگر علت‌های فقر و نابسامانی اقتصادی، مدیریت ناشایست است که بیانگر ساختارهای نادرست اداری و سیاسی است. وقتی شایسته‌سالاری در گزینش مسئولین وجود نداشته باشد و مسئولین در زمینه



کاری خود، از علم و تخصص کافی برخوردار نباشند، مدیریت صحیح وجود نخواهد داشت و منابع هدر خواهد رفت و در نتیجه فقر و نابسامانی اقتصادی به وجود می‌آید. البته با توجه به آنکه مردم در انتخاب مسئولین خود سهیم هستند، می‌توان فقر ناشی از مدیریت ناشایست را به صورت غیرمستقیم، به عقیده و رفتار افراد نسبت داد. چنانکه امام علی (علیه السلام) به مردمی که حق او را نادیده گرفته، از او روی برگردانده و با دیگری بیعت کردند، هشدار می‌دهد که حکومت و مدیریت افراد ناشایست و غیرمتخصصی که برگزیدند، آن‌ها را به فقر و نابسامانی اقتصادی خواهد کشاند. امام (علیه السلام) در خطبه طالوتیه می‌فرماید:

«أَيُّهَا الْأُمَّةُ الَّتِي خُدِعَتْ فَأُخْذَتْ... أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ اقْتَبَسْتُمْ الْعِلْمَ مِنْ مَعْدِنِهِ، وَشَرِبْتُمْ الْمَاءَ بَعْدُوتَيْهِ، وَأَذَخْتُمْ الْحَيْرَ مِنْ مَوْضِعِهِ، وَأَخَذْتُمْ الطَّرِيقَ مِنْ وَاضِحِهِ، وَسَلَكْتُمْ مِنَ الْحَقِّ نَفْحَهُ، لَنَفَعَتْ بِكُمْ السُّبُلُ، وَبَدَتْ لَكُمْ الْأَعْلَامُ، وَأَصَاءَ لَكُمْ الْإِسْلَامَ، فَأَكَلْتُمْ رَعْدًا، وَمَاعَالَ فِيكُمْ عَائِلٌ، وَلَا ظِلٌّ مِنْكُمْ مُسْلِمٌ وَلَا مُعَاهِدٌ، وَلَكِنْ سَلَكْتُمْ سَبِيلَ الظَّلَامِ، فَأَظْلَمَتْ عَلَيْكُمْ دُنْيَاكُمْ بِرُحْمِهَا، وَسُدَّتْ عَلَيْكُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ،... وَاتَّبَعْتُمُ الْعَوَاةَ فَأَعْوَتْكُمْ، وَتَرَكْتُمُ الْأَيْمَةَ فَتَرَكَوْكُمْ، فَأَصْبَحْتُمْ مَحْكُومُونَ بِأَهْوَانِكُمْ،... زُوَيْدًا عَمَّا قَلِيلٍ مُخْصِدُونَ بِجَمِيعِ مَا زَرَعْتُمْ، وَتَجِدُونَ وَخِيمَ مَا اجْتَرْتُمُومًا وَمَا اجْتَلَبْتُمْ»

ای امتی که فریفته شد و فریب خورد... سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان‌دار را آفرید، اگر علم را از معدن آن، خالص و بدون شبهه و نقص دریافت می‌کردید و خیر را از جایگاه آن جویا می‌شدید و از میانه راه حرکت می‌کردید و راه حق را می‌پیمودید، راه‌ها برای شما روشن می‌گشت و نشانه‌های هدایت برای شما آشکار می‌شد و فروغ و روشنایی اسلام شما را فرا می‌گرفت. در آن صورت با آسایش و گوارا می‌خوردید و هیچ کس در میان شما نیازمند و فقیر نمی‌شد و بر هیچ مسلمان و هم‌پیمانی ستمی نمی‌رفت. اما شما راه‌های تاریکی و گمراهی را پیمودید، پس دنیایان با تمام وسعت بر شما تنگ و تاریک شد و درهای علم به روی شما بسته شد... از گمراهان پیروی کردید پس شما را به گمراهی کشاندند و ائمه را رها کردید، پس آن‌ها نیز شما را رها کردند. در نتیجه از آن پس، بر اساس هوای خویش، حکم می‌کردید... به زودی هر آنچه کاشتیدید، درو خواهید کرد و وضع نابسامانی که خود سبب‌های آن را فراهم کردید، خواهید یافت.» (کلینی، ۱۴۲۹، ج. ۱۵، ص. ۹۵-۹۷)

اگر مسئولین از علم و تخصص لازم و کافی برخوردار نباشند، نمی‌توانند برای اداره امور، برنامه و تدبیر درست و حسابرسی مناسب داشته باشند. در نتیجه جامعه را به سوی ویرانی و فقر عمومی، و دولت را به سوی تباهی می‌کشانند. از این رو امام علی (علیه السلام) برنامه‌ریزی بد و نامناسب را عامل ویرانی و نشانه پشت کردن نعمت و دولت معرفی می‌کند:



- «سُوءُ التَّدْبِيرِ سَبَبُ التَّدْمِيرِ: تدبیر بد، سبب ویرانی است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۴؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۲۸۴):

- «مَنْ سَاءَ تَدْبِيرُهُ تَجَلَّ تَدْمِيرُهُ: آنکه تدبیر و برنامه‌ریزی بد باشد، ویرانی و نابودیش پیش می‌افتد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۴)

- «يُسْتَدَلُّ عَلَى الإِدْبَارِ بِأَرْبَعٍ: سُوءُ التَّدْبِيرِ، وَفُجُؤُ التَّنْذِيرِ، وَقَلَّةُ الإِغْتِيَارِ، وَكَثْرَةُ الإِعْتِرَارِ: چهار چیز نشانه پشت کردن [نعمت یا دولت] است: تدبیر بد، تذبذب ناپسند، عبرت‌آموزی اندک، و فریب‌خواری بسیار.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۵۴؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۵۵۲)

در واقع برنامه‌ریزی درست و حسابداری مناسب برای پیشگیری از فقر و نابسامانی اقتصادی، از مدیریت شایسته و کارآمد ناشی می‌شوند. چنانکه حضرت (علیه السلام) می‌فرماید:

- «حُسْنُ التَّدْبِيرِ وَجُبُّ التَّنْبِيهِ مِنَ حُسْنِ السِّيَاسَةِ: برنامه‌ریزی درست و دوری از تذبذب، از سیاست و مدیریت درست است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۳۱؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۲۲۹)

خیانت و فساد مالی مسئولین

یکی دیگر از علت‌های فقر و نابسامانی اقتصادی، خیانت و فساد مالی است که از تعهد نداشتن مسئولین ناشی می‌شود و نمایانگر ساختارهای نادرست عقیدتی، قضائی و سیاسی است. بر اساس کلام و سیره حضرت علی (علیه السلام)، دارایی‌های عمومی، ثروت مسئولین نیست و تنها به امانت در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد تا بنا به مصالح جامعه و بر اساس قاعده و قانون مشخص، آن را در راه‌های مجاز هزینه کنند. چنانکه حضرت (علیه السلام) می‌فرماید:

«وَاللَّهِ مَا هُوَ بِكَ دَيْدِي وَلَا ثَرَايِي مِنَ الْوَالِدِ، وَلَكِنَّهَا أَمَانَةٌ أَرَعَيْتَهَا فَأَنَا أَوْ ذِيهَا إِلَى أَهْلِهَا: به خدا سوگند، این ثروت، نه دست رنج من است و نه ارث من از پدرم؛ بلکه امانتی است که برای نگهداری به من سپرده شده است و من آن را به صاحبانش باز می‌گردانم.» (ابن جیون، ۱۳۸۵، ج. ۲، ص. ۳۱۰؛ با اختلاف در: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج. ۲، ص. ۱۱۰)

اما برخی مسئولین در این امانت خیانت می‌کنند و به فساد مالی آلوده می‌شوند که به فقر عمومی می‌انجامد. خیانت و فساد مالی مسئولین خود از علت‌های مختلفی سرچشمه می‌گیرد و به صورت‌های متعددی رخ می‌دهد. برخی مسئولین، بیت‌المال را دارایی شخصی خود می‌پندارند و هر گونه که مایل باشند، بدون قاعده و قانون به هزینه‌کرد و بخشش آن می‌پردازند. وجود این نگاه در برخی مسئولین، از



نامه‌های امام (علیه السلام) به فرماندارهای خائن همچون قدامة بن عجلان (بلاذری، ۱۹۷۴، ص. ۱۶۰)، مُنذر بن جارود (بلاذری، ۱۹۷۴، ص. ۱۶۳) و غیره (نامه ۴۱؛ زمخشری، ۱۴۱۰، ج. ۳، ص. ۳۷۵) آشکار است. حضرت (علیه السلام) چنین بخششی را ستم و خیانت معرفی می‌کند:

«جُودُ الْوَلَاةِ بَيْنِي وَالْمُسْلِمِينَ جَوْرٌ وَخَيْرٌ: بخشش زمامداران از دارایی عمومی مسلمانان، ستم و فساد است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۴۳)

نمونه بارز چنین رفتاری، شیوه خلیفه سوم در بذل و بخشش بیت‌المال است که سبب به وجود آمدن فقر گسترده و نابرابری شدید اقتصادی شد. در کتاب‌های تاریخ و سیره نمونه‌های فراوانی درباره شیوه عثمان در هزینه‌کرد خودسرانه بیت‌المال آمده است. او در پاسخ به اعتراض مردم، خود را به عنوان خلیفه، در نحوه هزینه‌کرد بیت‌المال صاحب اختیار می‌دانست و می‌گفت: «اگر نتوانم در زوائد اموال عمومی اختیار عمل داشته باشم، پس امام (خلیفه) بودن من به چه معناست.» (طبری، ۱۴۰۳، ج. ۳، ص. ۳۷۷) برخی زمامداران نیز به خاطر روحیه فزون‌طلبی در گردآوری ثروت، اطمینان نداشتن به آینده حکومت و عبرت نگرفتن از عاقبت دیگران، گرفتار خیانت و فساد مالی می‌شوند. مطمئن نبودن از آینده حکومت، سبب می‌شود زمامداران به این فکر باشند که در فرصت موجود هر چه زودتر باید جیب خود را پر کنند و چون از عاقبت دیگران عبرت نمی‌گیرند به این کار دست می‌زنند. امام (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

«إِنَّمَا يُؤْتِي خَرَابَ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَاذِ أَهْلِهَا وَإِنَّمَا يَغُورُ أَهْلُهَا لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوَلَاةِ عَلَى الْجَمْعِ وَسُوءِ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاءِ وَ قَلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعِبَرِ: همانا ویرانی زمین به خاطر تنگدستی صاحبان آن است و تنگدستی آنان به خاطر روی آوردن زمامداران به گردآوری ثروت و بدگمانی آن‌ها به ماندگاری حکومتشان و کم سودبرنشان از عبرت‌هاست.» (نامه ۵۳؛ با اندکی اختلاف در: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۱۳۸)

ویژه‌خواری و انحصارطلبی

گاه فقر، ناشی از ویژه‌خواری، انحصارطلبی و خودکامگی مسئولین و نزدیکان آن‌هاست که نشان از ساختارهای نادرست قضائی، سیاسی و اقتصادی دارد و از مهم‌ترین مصداق‌های توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد به شمار می‌آید. امام علی (علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر درباره این امر به او هشدار می‌دهد و می‌فرماید:



«إِنَّ لَوْلَايَ خَاصَّةً وَبِطَانَةٍ فِيهِمْ اسْتِثْنَاءٌ وَتَطَاوُلٌ وَقَلَّةٌ إِضَافٍ فِي مُعَامَلَةٍ: زمامدار را بستگان و نزدیکانی هست که خوی خودکامگی (برتری‌جویی و خودگزینی) و چپاول‌گری دارند و در داد و ستد کم‌انصافند.» (نامه ۵۳؛ سید رضی، ۱۴۰۶، ص. ۱۲۳؛ با اندکی اختلاف در: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۱۴۴-۱۴۵) نمونه بارز ویژه‌خواری و تأثیر آن بر وضع معیشت مردم، در دوره خلیفه سوم قابل مشاهده است. به نقل کتاب‌های تاریخ و سیره، ویژه‌خواری‌های عثمان و خویشاوندان او (اموی‌ها و مروانی‌ها) یکی از علت‌های شورش مردم بر علیه او بود که به قتلش منجر شد. (طوسی، ۱۴۱۴، ص. ۷۲۷-۷۲۸؛ عاملی، ۱۴۳۰، ج. ۱۹، ص. ۶۸) چنانکه خود حضرت (علیه السلام) در شرح ماجرا می‌فرماید:

«إِلَى أَنْ قَامَ ثَالِثُ الْقَوْمِ نَلِجًا حِضْنِيهِ بَيْنَ نَثْلِهِ وَمُعْتَلِفِهِ وَقَامَ مَعَهُ بُوَأْيِيهِ يُحْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ حِضْمَةَ الْأَيْلِ نَبْتَةَ الرَّبِيعِ إِلَى أَنْ أَنْتَكَّتْ عَلَيْهِ قَتْلُهُ وَأَجْهَزَ عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَكَبِتْ بِهِ بَطْنَتُهُ: تا آنکه سومی به پا خاست، دوپهلوی از پرخوری باد کرده، شکم را پر و تهی می‌کرد. بستگان پدریش همراه او، چونان شتری که گیاه بهاری را با ولع می‌خورد، به خوردن و بردن بیت المال برخاستند تا آنکه رشته‌هایش پنبه شد و کارهایش سبب قتلش شد و پرخوریش نابودش کرد.» (نامه ۳؛ با اندکی اختلاف در: شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ج. ۱، ص. ۱۵۱) و در جای دیگری علت قتل او را به صورت خلاصه چنین می‌فرماید: «اسْتَأْتَرَفَأَسَاءَ الْأَثَرَةَ وَجَزِعْتُمْ فَأَسَأْتُمُ الْجَزَعِ: عثمان، بد انحصارطلبی و خودکامگی ورزید و شما بد بیتابی کردید.» (خطبه ۳۰)

لازم به ذکر است ویژه‌خواری نوعی فساد مالی است؛ اما از آنجا که فساد مالی عام است و مصداق‌های متعددی از جمله بخشیدن بی حساب و کتاب به دیگران، خواه از نزدیکان باشند یا نباشند، دزدی مسئول به نفع خود و غیره را شامل می‌شود، در دو بخش مجزا به آن‌ها پرداخته شد.

مالیات‌های سنگین

مالیات‌های سنگین، از دیگر علت‌های فقر است که به ساختارهای نادرست حقوقی و اقتصادی باز می‌گردد. مالیات‌ها اگر عادلانه و منصفانه نباشد، سبب ظلم به مالیات‌دهندگان و ویرانی سرزمین‌ها می‌شود. چنانکه امام (علیه السلام) به مالک اشتر می‌فرماید:

«وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَنْبَلَعَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِحْلَابِ الْحَرَجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَذْرُكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَمَنْ طَلَبَ الْحَرَجَ بَعِيرِ عِمَارَةِ الْأَرْضِ وَأَهْلَكَ الْعِبَادَ وَلَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا. فَإِنَّ شَكْوَاءَ قَلِيلًا... خَفَّتْ عَنْهُمْ بِمَا تَزُجُو أَنْ يَضْلَحَ بِهِ أَمْرُهُمْ: باید کوشش تو در آبادی زمین، بیش از تلاشت در گردآوری خراج باشد؛ زیرا خراج جز به آبادی زمین به دست نمی‌آید و هر کس بدون آبادانی، خراج بخواهد، شهرها را ویران و مردم را نابود می‌کند و حکومتش جز زمان اندکی پایدار نخواهد بود. پس اگر مالیات‌دهندگان از سنگینی بار مالیات ...



شکایت کردند به آنان تخفیف بده به اندازه‌ای که امیدداری وضع آنان را بهبود بخشد.» (نامه ۵۳؛ با اندکی اختلاف در: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۱۳۷-۱۳۸) احتکار، تورم و رکود

از دیگر علت‌های فقر، احتکار، تورم و رکود است که بیانگر ساختارهای نادرست اقتصادی است. احتکار و تورم با افزایش نادرست و بی‌رویه سطح قیمت‌ها، به مصرف‌کنندگان زیان می‌رساند و رکود با کاهش تقاضا و مصرف، سبب کاهش قیمت‌ها و در نهایت بیکاری، ورشکستگی و زیان تولیدکننده می‌شود. چنانکه امام (علیه السلام) می‌فرماید:

«الاحتکار ذرّ دایعة الحرمان: احتکار فراخوان محرومیت است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۶۱)

«التحکیر محروم نعمته: احتکار کننده از نعمت [مخصوص] خود، ناکام می‌ماند.» (تمیمی آمدی،

۱۳۶۶، ص. ۳۶۱؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۲۶)

همچنین امام (علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر، احتکار را مایه زیان عمومی، و افزایش و کاهش بی‌رویه و ناعادلانه قیمت‌ها را سبب ستم و زیان به خریدار و فروشنده معرفی می‌کند:

«وَاعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَشَحًّا قَبِيحًا وَاحْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَتَحْكَامًا فِي الْبِيعَاتِ وَذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ وَعَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ... وَلِيُكْنَ الْبَيْعُ بِيَعًا سَحًّا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَأَسْعَارٍ لَا يُجْحَفُ بِالْقَرِيفَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ

بدان در بسیاری از بازرگان‌ها و صنعت‌گراها، تنگ‌نظری شدید و بخل ناپسند وجود دارد و در پی

احتکار منفعت‌ها و تسلط بر دادوستدها هستند که این امر به زیان عموم مردم و ننگی بر زمامداران است ... خرید و فروش باید آسان و با رعایت موازین عدالت و قیمت‌هایی که به هیچ‌یک از فروشنده و خریدار زیان نمی‌رساند، انجام گیرد.» (نامه ۵۳؛ با اختلاف در: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۱۴۰-۱۴۱؛ ابن حیون، ۱۳۸۵، ج. ۱، ص. ۳۶۶)

آنچه تا کنون بیان شد از مهم‌ترین علت‌های تحمیلی فقر و نابسامانی اقتصادی است اما همه علت‌ها در این موارد منحصر نیست. برخی دیگر از علت‌های تحمیلی فقر عبارتند از: (۱) فراهم‌نبودن امکان کار و فعالیت اقتصادی برای افراد، که ناشی از ساختارهای نادرست اقتصادی است؛ (۲) ظلم و تجاوز افراد به حقوق و منافع یکدیگر مانند دزدی، کلاهبرداری، خسارت‌زدن به اموال دیگران و غیره که از ساختارهای نادرست فرهنگی، قضائی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سرچشمه می‌گیرد؛ (۳) جنگ و تحریم که بیانگر نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.

اگر چه اثر این علت‌ها بر فقر به صورت صریح در سخنان امام علی (علیه السلام) بیان نشده است، اما عقل نظری و عملی آن را تأیید می‌کند و شواهدی مبنی بر توجه امام (علیه السلام) به آن، در کلام و سیره ایشان وجود دارد.

۷. مقایسه علت‌های فقر در چهار دیدگاه

بر پایه دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام)، خداوند منابع طبیعی را به اندازه نیاز انسان‌ها آفریده است و اگر چه، کم و زیاد بودن روزی‌ها آزمونی بر پایه حکمت و تقدیر الهی است، اما این امر، مجوزی برای تقدیرگرایی و رها کردن تهیدست‌ها به حال خویش نیست؛ چرا که به فرمان خداوند به‌عنوان مالک حقیقی کل هستی، روزی این گروه باید از دارایی‌های توانگرها و ثروت‌های عمومی تأمین شود. همچنین، تفاوت در استعدادها، تنها می‌تواند دلیلی بر پذیرش نابرابری طبیعی باشد نه پذیرش فقر یا نابرابری شدید و ستمگرانه.

افزون بر اینکه در عالم واقع، نظام اقتصادی همواره به‌صورت خودکار بر پایه نظم حرکت نمی‌کند، بلکه بی‌نظمی‌های آن گاه درون‌زا و گاه برون‌زاست. بنابراین دخالت دولت برای اصلاح برخی بی‌نظمی‌های درون‌زای بازار، امری ضروری است؛ به‌ویژه اگر دولت، بر پایه عقل و قانون به این مهم بپردازد. چرخه فقر علتی تداوم بخش است نه ایجادکننده فقر. بنابراین می‌توان با حذف علت‌های ایجادکننده فقر، به فرهنگ‌سازی مناسب نیز کمک کرد.

از سوی دیگر، مالکیت خصوصی ابزار تولید که مورد تأیید و پذیرش عقل و شرع است، به‌خودی‌خود، دلیل فقر و نابرابری نیست تا لازم باشد برای رفع فقر، آن را لغو کرد؛ بلکه قرار دادن آن در چارچوبی از محدودیت‌های حقوقی و اخلاقی برای رفع نابسامانی‌های حاصل از آن کفایت می‌کند. همچنین تنازع و تعارض گروه‌های مختلف جامعه بر سر منابع ثروت، منزلت و قدرت، بر پایه حدود اخلاقی و حقوقی وضع شده از سوی خداوند، قابل رفع است و نمی‌توان آن را اصلی‌ترین دلیل فقر در یک جامعه اسلامی به شمار آورد.

در مقابل، علت‌هایی چون اسراف، تبلی و بیکاری، توزیع نامناسب ثروت و درآمد، شرایط نابسامان سیاسی و اجتماعی، رکود و تورم، از دیدگاه امام (علیه السلام) نیز مورد پذیرش است اما نه به‌عنوان علت‌های انحصاری. به عبارتی گاه افراد بنا به دلیل‌های فردی همچون تبلی، اسراف و غیره به فقر گرفتار می‌شوند که راه‌حل آن کار، کوشش، برنامه‌ریزی، حسابداری و دوری از افراط و تفریط توسط خود فرد و آموزش، فرهنگ‌سازی و ایجاد شرایط و بستر مناسب برای کار و تلاش از سوی جامعه و دولت است. گاهی نیز با

وجود توجه و پابندی به این امور، افراد بنا به حکمت و مصلحت الهی، گرفتار فقر و تنگدستی می‌شوند. در چنین حالتی، جامعه و دولت باید برای رفع این فقر به یاری شخص بیاید. گاهی نیز فقر، ناشی از عمل نکردن جامعه و دولت به وظیفه خود و دیگر علت‌های تحمیلی (طبیعی و ساختاری) است که در این صورت، سیاست‌های فقرزدایی باید متوجه رفع آن‌ها باشد.

۸. نتیجه

در نظر لیبرال‌های کلاسیک، مهم‌ترین علت‌های فقر، به رفتارهای فردی مرتبط است، بنابراین سیاست‌های فقرزدایی باید در پی تشویق روحیه کار و تلاش و خوداتکایی در افراد باشد. سوسیالیست‌ها، با اعتقاد به ماتریالیسم و جبر حاصل از آن، مهم‌ترین علت فقر را، مالکیت خصوصی ابزار تولید به شمار می‌آورند. در نتیجه سیاست‌های فقرزدایی آن‌ها به دنبال حذف مالکیت خصوصی و برقراری مالکیت دولتی و عمومی به جای آن است. در دیدگاه دولت رفاه، علت‌های فقر هم می‌تواند ناشی از رفتارهای فردی باشد و هم ناشی از ساختارهای نادرست. بنابراین سیاست‌های فقرزدایی دولت رفاه در راستای رفع نواقص هر دو است.

در دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام) عمده علت‌های فقر، نه همانند لیبرالیسم، به علت‌های رفتاری و فردی منحصر است که رفع آن، تنها در چاقوب اختیار و توان فرد قرار داشته باشد و نه همچون باور سوسیالیست‌ها، تنها به علت‌های ساختاری و خارج از اختیار و توان انسان مربوط است، بلکه همچون دیدگاه دولت رفاه، هم کاستی‌های فردی و هم کاستی‌های بازار، جامعه و دولت مدنظر است. از این رو، سیاست‌های فقرزدایی در دیدگاه امام (علیه السلام)، ناظر به هر دو جنبه فردی و ساختاری باید باشد.

منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغة، ۱۴۱۴ق، سید رضی، محمد بن حسین، تصحیح: صبحی صالح، قم: انتشارات هجرت.
۱. آربلاستر، آتونوی، ۱۳۶۷ش، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
 ۲. آشوری، داریوش، ۱۳۷۰ش، دانش نامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب های سیاسی)، تهران: انتشارات مروارید.
 ۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۴. ابن حیون، نعمان بن محمد (قاضی نعمان مغربی)، ۱۳۸۵ق، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام، تحقیق: آصف فیضی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
 ۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
 ۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ش، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: انتشارات علامه.
 ۷. باری، نورمن، ۱۳۹۳ش، رفاه اجتماعی، ترجمه: اکبر میرحسینی و مرتضی نوربخش، تهران: سمت.
 ۸. بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۹. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۹۷۴م، انساب الأشراف، تحقیق و تعلیق: محمدباقر محمودی، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
 ۱۰. تفضلی، فریدون، ۱۳۷۵ش، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران: نشر نی.
 ۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶ش، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق و تصحیح: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۱۲. خورشیدی، غلامحسین، ۱۳۷۹ش، درآمدی بر شناخت فقر، تهران: سازمان امور اداری و استخدامی کشور.
 ۱۳. دادگر، یدالله، ۱۳۸۶ش، اقتصاد بخش عمومی، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
 ۱۴. دادگر، یدالله، ۱۳۹۰ش، مالیه عمومی و اقتصاد دولت، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
 ۱۵. دادگر، یدالله، ۱۳۹۲ش، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران: سمت.



۱۶. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۱۰ق، *ربیع الأبرار ونصوص الأخبار*، تحقیق: سلیم نعیمی، قم: انتشارات شریف رضی.
۱۷. ژید، شارل و ریست، شارل، ۱۳۸۰ش، *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه: کریم سنجایی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. سید رضی، محمد بن حسین، ۱۴۰۶ق، *خصائص الأئمة (علیهم السلام)*، تحقیق: محمدهادی امینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۹. شاپیرو، جان سالوین، ۱۳۸۰ش، *لیبرالیسم: معنا و تاریخ آن*، ترجمه: محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: نشر مرکز.
۲۰. شعیری، محمد بن محمد، بی‌تا، *جامع الأخبار*، چاپ اول، النجف الاشرف: المطبعة الحیدریة.
۲۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۶۲ش، *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۲۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۸۵ش، *علل الشرائع*، قم: انتشارات داوری.
۲۳. طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۴۴ش، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، نجف: المكتبة الحیدریة.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، طهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۵. طبری، محمد بن جریر بن یزید، ۱۴۰۳ق، *تاریخ الأمم والملوک (تاریخ طبری)*، تحقیق: گروهی از پژوهشگران، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *الأملی*، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة.
۲۷. عاملی، سیدجعفر بن مرتضی، ۱۴۳۰ق، *الصحیح من سیرة الإمام علی (علیه السلام) (المُرتَضی من سیرة المُرتَضی)*، بیروت: المركز الاسلامی للدراسات.
۲۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵ش، *رَوْضَةُ الْأَوْعَظِينَ وَبَصِيرَةُ الْمُتَعَطِّينَ*، قم: انتشارات شریف الرضی.
۲۹. فراهانی فرد، سعید، ۱۳۸۷ش، *نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام*، تهران: کانون اندیشه جوان، ص ۳۹-۵۲.
۳۰. فیتس پتریک، تونی، ۱۳۸۳ش، *نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)*، ترجمه: هرمز همایون‌فر، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.



۳۱. فیتس پتريک، تونی، ۱۳۸۵ش، *نظریه‌های رفاه جدید*، ترجمه: هرمز همایون‌فر، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
۳۲. کراچکی، محمد بن علی، ۱۳۵۳ش، *معدن الجواهر و ریاضة الخواطر*، تحقیق: احمد حسینی، طهران: المكتبة المرتضوية.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، تحقیق: دار الحديث، قم: دار الحديث.
۳۴. لابن، زان، ۱۳۵۹ش، *جامعه‌شناسی فقر*، ترجمه: جمشید بهنام، تهران: انتشارات خوارزمی.
۳۵. لاژوژی، ژوزف، ۱۳۶۷ش، *مکتب‌های اقتصادی*، ترجمه: جهانگیر افکاری، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۶. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق: حسین حسنی بیرجندی، قم: دار الحديث.
۳۷. مهرگان، نادر و کرامت‌فر، مهدی، ۱۳۹۳ش، *سرمایه‌داری؛ خیزش، خیانات، خدمات*، تهران: نور علم.
۳۸. واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۱ق، *اسباب نزول القرآن*، تحقیق: کمال بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۹. هانت، ای.ک، ۱۳۸۱ش، *تکامل نهادها و ایدئولوژی‌های اقتصادی: مالکیت و رسالت*، ترجمه سهراب بهداد، تهران: انتشارات آگاه.

مقاله‌ها

۴۰. اسدی، خسرو، ۱۳۶۹ش، فقرزدایی در قالب برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی، *اولین سمینار فقر و فقرزدایی*: ۱۵ تا ۱۷ آبان ۱۳۶۸، تهران: سازمان بهزیستی کشور.
۴۱. اسکور، ژولیت، ۱۳۸۵ش، طرح مسأله دولت رفاه و مسأله مصرف، ترجمه: حامد حاجی حیدری، *راهبرد یاس (راهبرد توسعه)*، سال ۲، شماره ۵، ص ۲۰۹-۲۳۰.
۴۲. امانی‌پور، مونا؛ نیل‌ساز، نصرت و ایروانی، جواد، ۱۳۹۶ش، بررسی حد فقر و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، *پژوهش‌های نهج البلاغه*، سال ۱۶، شماره ۵۲، ص ۴۵-۶۴.
۴۳. بیضون، لیبب، ۱۳۸۵ش، فقر، علل و راهکارها، *پژوهش‌های نهج البلاغه*، شماره ۱۷ و ۱۸، ص ۶۳-۷۴.



۴۴. پتفت، آرین و مؤمنی‌راد، احمد، ۱۳۹۴ش، سیر تحول نحوه مداخله دولت در اقتصاد از منظر حقوق عمومی، از دولت رفاه تا دولت فرانتظیمی، *پژوهش‌های حقوق عمومی*، سال ۱۷، شماره ۴۷، ص ۲۰۴-۱۸۵.
۴۵. پهلوان، منصور، ۱۳۹۱ش، تحقیق در ضبط و معنای حکمت ۳۲۰ نهج البلاغه، *پژوهش‌های نهج البلاغه*، شماره ۳۵، ص ۴۳-۶۶.
۴۶. رفیعی، حسن، ۱۳۷۹ش، دیدمان‌های رفاه اجتماعی، *تأمین اجتماعی*، شماره ۵، ص ۵۶-۳۵.
۴۷. زریباف، سید مهدی، ۱۳۹۱ش، مروری بر علل فقر از منظر اقتصاد متعارف، *مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، سال ۱۲، شماره ۱، ص ۲۶-۷.
۴۸. زیاری، کرامت‌الله، ۱۳۷۵ش، مفاهیم و متدولوژی تعیین خط فقر، *مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی*، تهران: سازمان برنامه و بودجه، جلد اول.
۴۹. شوقی الفنجری، محمد، ۱۳۸۱ش، مبانی نظری توزیع عادلانه، ترجمه: یوسف محمدی، *اقتصاد اسلامی*، سال ۲، شماره ۷، ص ۱۳۷-۱۶۰.
۵۰. فراتی، علی اکبر، ۱۳۹۲ش، بررسی محتوایی حدیث استعداد فقر و نقد برخی از دیدگاه‌ها، *علوم حدیث*، سال ۱۸، شماره ۶۹، ص ۳۱-۳.
۵۱. کارشناس، مجید، ۱۳۷۵ش، فقر و تأثیر آن در افزایش انحرافات اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی اسلامی، *مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی*، جلد اول، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۵۲. کتابچی، محمود، ۱۳۷۵ش، فقر و مسکن، *مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی*، تهران: سازمان برنامه و بودجه، جلد اول، ص ۷۲-۷۴.
۵۳. محمدی، سید علیاء، ۱۳۹۲ش، علل و آثار فقر از دیدگاه علی (علیه السلام)، *کیهان*، شماره ۲۰۵۹۵، ص ۶.